فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۵
صفحات ۷ – ۳٤

بررسی آماری رابطه بین تعدد واحدهای قدرت شامات و ثبات سیاسی در منطقه از سال ٤٧١ تا ٥٦٩ق

شکرالله خاکرند[۱]
مهدی محمدی قناتغستانی[۲]

چکیده

حملات سلجوقیان به منطقه شام، به طور منسجم در زمان سـلطان ملـک‌شـاه صـورت گرفت. تصرف شام به دست سلجوقیان در تعاقب حملات ترکمانان و فرمانـدهان تـرک به مرزهای شامی فاطمیان بود. پس از مرگ ملـک‌شـاه، درگیـری‌هـای جانشـینی وی و قدرت‌یابی فرماندهان محلی باعث شـکل‌گیـری حکومـت‌هـای متعـدد در شـام شـد که عموماً حکام آنها نیز پس از مدتی کوتاه تغییر می‌کردند. ایـن عوامـل باعـث ایجـاد بی‌ثباتی در جهان اسلام و تضعیف آن در سواحل شرقی مدیترانه شـد، چنـان‌کـه تـوان مقابله با مهاجمان صلیبی را از آنها گرفـت. تضـعیف قـوای مسـلمانان توسـط یکـدیگر و حملات صلیبیان موجب شد این حکومت‌ها به تدریج ضعیف و نـابود شـوند. اتابکـان زنگی توانستند با از بین بردن حکومت‌های ضعیف بـاقی‌مانـده، سراسـر ایـن منطقـه را در اختیار گیرند.

این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که بـین تعـدد واحـدهای تشـکیل دهنده قدرت در شام و ثبات سیاسی در این برهه زمانی چه ارتباطی حاکم اسـت و چـه مسئله‌ای موجب تحول شرایط سیاسی از تزلزل به ثبات شد؟

روش تحقیق، بر اساس کاربرد علـم آمـار در تـاریخ‌نگـاری صـورت گرفتـه کـه در آن، داده‌های آماری بر یک بستر زمانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و دیگـر عوامـل مـؤثر در بی‌ثباتی و ضعف آن در این‌جا مد نظر نخواهند بود.

واژگان کلیدی: سلجوقیان، شـام، حلـب، سـلجوقیان شـام، اتابکـان زنگـی، آل ارتـق، آل بوری.

---

۱. استادیار تاریخ اسلام دانشگاه شیراز. khakrand@shirazu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Mahdi_550bc@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹٤/۱۱/۲۸ پذیرش:۹۵/۰۲/۰۱

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

مقدمه

سلجوقیان در ادامه فتوحات خود در ایران، پس از گذشتن از مناطق غربی ایران، به بغداد رسیدند و سپس به مرزهای جزیره و شام لشکرکشی کردند (بنداری، ۲۵۳٦: ٤٥). نزدیکی این مرزها به سرزمین‌های روم و نیز خصومت‌های آنان با خلافت فاطمی مصر، باعث شد منطقه شام به عنوان یکی از اهداف مهم برای سلجوقیان درآید. پیش از فتوحات رسمی و گسترده سلجوقیان در این منطقه، فرماندهان ترک و ترکمان، مانند آتسز به حملاتی در شام دست زده بودند و حتی قلمرو خود را تا حدود مصر نیز گسترش داده بودند (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۱۷٦)؛ اما از سال ٤٧١ق، با لشکرکشی تتش بن آلب ارسلان به دمشق، توسعهٔ سرزمینی سلجوقیان به شام آغاز شد.

مرحله بعدی فتوحات سلجوقیان در شام هنگامی رخ داد که سلطان ملک‌شاه با فراغت از شورش‌های شرق حکومت، در سال ٤٧٧ق به غرب و شام روی آورد (بنداری، ۲۵۳٦: ۷۹؛ ابن‌اثیر، ۱۹٦۵: ج۱۰، ۱۳٤). در این مرحله، شهرهای شام بین امرای بزرگ سلجوقی تقسیم شده و کم‌کم امرای عرب منطقه از بین رفتند. تنها بنی‌منقذ در شیزر که از سال ٤٧٤ق و بنی‌عمار در طرابلس که از سال ٤٦٢ق حکومت خود را تأسیس کرده بودند با ورود سلجوقیان به منطقه به حیات خود ادامه دادند. این دو حکومت با در دست داشتن منطقه‌ای محدود، ولی راهبردی، توانستند مدتی نسبتاً زیاد را با ثبات طی کنند و با حکام سلجوقی شام، رابطه‌ای مسالمت‌آمیز برقرار نمایند. قسیم‌الدوله آق سنقر در حلب، امیر بوزان در رها و امیر یاغیسیان در انطاکیه از جمله حکام سلجوقی بودند که از سال ٤٧٨ق در مناطق شمالی شام تسلط یافتند (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۱). این افراد به همراه تتش ـ که دمشق و نواحی جنوبی شام را در دست داشت ـ با یکدیگر غالباً روابطی خصمانه داشتند و تنها زمانی که سلطان قدرتمند سلجوقی در قید حیات بود، مانع از آن می‌شد که این خصومت‌ها جنبه نظامی به خود نگیرند. این امر نیز محتمل است که سلطان سلجوقی برای عدم یکپارچگی شام به گونه‌ای به تعیین امرای این منطقه پرداخت که تجمع قوا را از آنها سلب نماید.

پس از مرگ ملک‌شاه، بی‌ثباتی بلندمدتی بر منطقه شام حاکم شد که در پی آن، حکومت‌های اسلامی شام تضعیف شدند و زمینه برای پیش‌روی صلیبیان فراهم گردید

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

و تا زمانی که تسلط آنها در منطقه قوام یافت، حکومت‌های اسلامی یکپارچه نشدند. دلیل این بی‌ثباتی سیاسی، غالباً حکومت کردن چندین واحد تشکیل دهندهٔ قدرت در ناحیه‌ای کوچک، به صورت هم‌زمان در یک بازه زمانی و تکیه زدن حکام آنها در مدتی اندک بر کرسی قدرت بود. این امر موجب سلب شدن اتحاد و تمرکز قوا از حکومت‌های اسلامی شد و تغییر زودهنگام حاکمان این حکومت‌ها نیز باعث هرج و مرج در فضای سیاسی شام گردید. این حکومت‌ها از بدو تأسیس، به رقابت با هم پرداختند و با تضعیف تدریجی، یکدیگر را از عرصه سیاسی خارج کردند. این روند تضعیف تا سال ۵۲۱ق ادامه یافت تا این‌که عمادالدین زنگی توانست با حذف دول موجود، قدرت را در جزیره و شام به دست گیرد. سلسله اتابکان زنگی مدت‌زمانی نسبتاً طولانی[1] بدون تشتت قدرت ـ چه در امر حکومت و چه در امر جانشینی ـ حکومت کرد. این ثبات تا حدی نیز برآمده از توارث قدرت بود که در دوره هرج و مرج، عملاً ناممکن می‌نمود.

این پژوهش با بررسی حکومت‌های شام سال ٤٧١ تا ٥٦٩ق (سال وفات نورالدین محمود زنگی) و تعداد سال‌های فرمانروایی حکام آن سرزمین، با صرف‌نظر کردن از سایر علل منتج به تضعیف قوای اسلامی، به تبیین آماری بی‌ثباتی سیاسی شام در این مقطع می‌پردازد. گرچه مورخان بر بی‌ثباتیِ آن منطقه در ابتدای شروع جنگ‌های صلیبی اتفاق نظر دارند، اما یک بررسی آماری می‌تواند گویای واقعیتی صریح باشد. با توجه به مطالب یادشده، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که بین تعدد واحدهای تشکیل دهندهٔ قدرت در شام و ثبات سیاسی در این برهه زمانی، چه ارتباطی حاکم است؟ و چه امری موجب تحول شرایط سیاسی، از تزلزل به ثبات شد؟

فرض محقق بر آن است که تعدد حکومت‌های شام و تعویض زودهنگام حکام آنها، یکی از علل بی‌ثباتی سیاسی شام بود. از این‌رو بین تعداد حکومت‌ها و سال‌های فرمانروایی حاکمان آن با ثبات سیاسی منطقه، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ چنان‌که هرچه میزان حکومت‌ها بیشتر باشد، ثبات سیاسی کمتر بوده و هرچه تعداد حکومت‌ها

۱. از سال ۵۲۱ق، سال به حکومت رسیدن عماد الدین تا سال ۵۶۹ق، سال مرگ نورالدین محمود زنگی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

کمتر باشد، ثبات سیاسی بیشتر است. این تزلزل سیاسی موجب تضعیف حکومت‌های شام شد و زمینه را برای استقرار دولتی باثبات فراهم کرد.

تعدد واحدهای تشکیل دهنده قدرت معارض،[1] موجب هرج و مرج سیاسی می‌شود و هنگامی که والیان با کمتر از ده سال حکومت تعویض گردند، هرج و مرج به داخل این حکومت‌ها نیز سرایت می‌کند. از این‌رو بررسی آماری، شامل اطلاعات آماری حکومت‌ها و تعداد افراد حاکم آنها خواهد بود. در برخی حکومت‌ها مانند آل بوری، در برهه‌ای آمد و شد حکام کم است و فرمانروایان بیش از ده سال حکومت می‌کنند. در این مواقع اگرچه ممکن است حکومت یادشده از ثبات برخوردار باشد، ولی آمد و شد حکام در ملوک هم‌جوار، همچنان جاری است و این ثبات، به صورت مقطعی و محدود به یک جغرافیای کوچک از این خطه است.

حکومت‌های اسلامی که مستقیماً با نیروی نظامی در عرصه سیاست این دوره شام حضور داشتند، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: ۱. حکومت‌هایی که از داخل شام برخاسته و در منطقه‌ای از آن تشکیل می‌شدند؛ ۲. حکومت‌هایی که از مناطق مجاور به شام آمدند و قدرت را در مناطقی از آن دیار در دست گرفتند. حکام جزیره از جملهٔ این حاکمان به شمار می‌روند. آنان بیشترین حکومت‌های خارجی حاضر در عرصه سیاسی شام بودند؛ چرا که مصر در آن زمان به شدت درگیر کشمکش‌های وزرای فاطمی بود و کمتر به مرزهای شمال می‌پرداخت. از طرف مرز شمال نیز تنها چند ماهی قلیچ ارسلان اول در سال ۵۰۰ق توانست در شام اعمال نفوذ کند. از این‌رو حکام جزیره در فضای سیاسی شام، نقشی تعیین‌کننده داشتند. اتابکان زنگی نیز که در شام نسبت به عراق، دارای نقشی فعال‌تر بودند، از جزیره برخاستند. نزدیکی جغرافیایی جزیره با حلب موجب شد تعدادی از فرمانروایان حلب، از حاکمان جزیره باشند.

در بازهٔ زمانی این پژوهش، حکومت‌های بسیاری وجود داشته‌اند که مدت حکمرانی فرمانروایان آنها گاه کمتر از یک سال بوده است. از این‌رو میزان حکومت حاکمانی که کمتر از یک سال بر مسند قدرت بوده‌اند با «ماه» مشخص گردیده و سایر حکام با تعداد

۱. این لفظ اعم از حکومت‌هاست؛ چرا که قبایل نیز که حکومتی در اختیار نداشتند، قدرت منطقه‌ای به شمار می‌آمدند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

سال‌های حکومتشان متمایز شده‌اند. برای آن‌که از میان منابع، سال‌های دقیق فرمانروایی افراد به دست آید، دشواری‌هایی وجود داشت. منابع عمدهٔ این پژوهش، *الکامل* و *التاریخ الباهر* ابن‌اثیر و تواریخ محلی شام مانند *تاریخ دمشق* ابن‌قلانسی و ابن‌عساکر و تاریخ‌هایی دربارهٔ حلب مانند *بغیة الطلب فی تاریخ حلب* و امثال آن‌اند.

سلجوقیان بر دروازه شام

توسعه قلمرو سلجوقیان در غرب ایران و مناطق آذربایجان و آناطولی، نگرانی دولت بیزانس را برانگیخت.[1] امپراتوری بیزانس از چندی پیش برای تسلط بر شام با فاطمیان تعارض داشت. با قدرت یافتن سلجوقیان در شرق و برهم خوردن نظم سیاسی پیشین، فرصتی برای حملهٔ بیزانس به سرزمین‌های شمالی شام فراهم شد (ابن‌اثیر، ۱۹٦۵: ج۱۰، ٦۱؛ اصفهانی، ۲۰۰٤: ۲۰۵) این اقدام رومانوس دیوجانوس ـ امپراتور بیزانس ـ باعث توجه بیشتر سلجوقیان به شام گردید؛ چرا که تسلط بیزانس بر شمال شام، مسیر ارتباطی جزیره به آن سرزمین را مسدود می‌کرد و عملاً دست سلجوقیان از شام و مصر کوتاه می‌شد. از این‌رو سلطان آلب ارسلان در سال ٤٦۳ق اقدامات خود را برای تصرف شام آغاز کرد (بنداری، ۲۵۳٦: ٤۵). نخستین گام آلب ارسلان حلب بود؛ مهم‌ترین شهر شام پس از دمشق که به مسیر جزیره، آناطولی و جنوب شام اشراف داشت. تصرف حلب موجب رویارویی امپراتور روم با آلب ارسلان شد. نبرد ملازگرد با پیروزی سلجوقیان همراه بود، اما مشکلات در شرق، مانع از ادامه فتوحات سلجوقیان در شام گردید. یکی از فرماندهان سلجوقی به نام اتسز، مدتی به تاخت و تاز در شام پرداخت (ابن‌اثیر، ۱۹٦۵: ج۱۰، ٦۸)، ولی از سال ٤٦۳ تا ٤۷۰ق، سلجوقیان به دلیل گرفتاری در شرق و شورش‌های داخلی، به سمت شام حرکت نکردند.

فتوحات سلجوقیان در شامات از زمان سلطان ملک‌شاه آغاز شد. در سال ٤۷۱ق سلطان ملک‌شاه برادرش تتش بن آلب ارسلان را به شام فرستاد که با کمک آتسز، دمشق را به تصرف درآورد. وی پس از فتح دمشق، آتسز را به قتل رساند (ابن‌کثیر، ۱۹۸٦: ج۱۲، ۱۱۹). از این زمان به بعد، حکومت‌های متعددی در شام تشکیل شد.

۱ پیش از این نیز قبایل ترکمان به سمت شام آمده بودند (برای آگاهی بیشتر، نک: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

اولین این دولت‌ها، سلجوقیان شام بود و پس از آن به حکم سلطان ملک‌شاه، هر یک از سرداران سلجوقی در منطقه‌ای به حکومت پرداختند. این حکومت‌ها بدین قرار بودند: قسیم الدوله آق سنقر در حلب، امیر بوزان در رها و امیر یاغیسیان در انطاکیه. حکام ترک سایر حکومت‌های شام نیز که توانسته بودند با سلجوقیان رابطه‌ای مناسب برقرار نمایند، حکومت خود را حفظ کردند که از آن جمله می‌توان به بنی‌عمار در طرابلس و بنی‌منقذ در شیزر اشاره نمود.

این حکومت‌ها تا زمانی که سلطان ملک‌شاه در قید حیات بود، روابطی نسبتاً پایدار داشتند، اگرچه از همان زمان نیز نشانه‌های تفرقه میان آنها کاملاً مشهود بود؛ اما با مرگ ملک‌شاه این ثبات ناپایدار از هم پاشید (Belotto,2014: 48). در گام اول، تتش علیه برادرزاده خود ـ برکیارق ـ شورید و پس از پیوستن بوزان و آق سنقر به برکیارق، در نبردی نزدیک حلب، این دو امیر شام را از میان برداشت (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۰۸). تتش نیز پس از این پیروزی، چندان عمر نکرد و در لشکرکشی دوم علیه سلطان برکیارق کشته شد (بنداری، ۲۵۳٦: ۹٦). در نتیجهٔ کشته شدن تتش، حکومت وی در شام به دو قسمت حلب و دمشق تقسیم شد. حکومت حلب و رها از آنِ رضوان بن تتش شد و حکومت دمشق و توابع آن در اختیار دقاق بن تتش قرار گرفت (ابن‌عدیم، بی‌تا: ج۸، ۳٦٦۰). امیر یاغیسیان در انطاکیه به علت روابط خوب با تتش و پسرش رضوان توانست تا سال ٤۹۱ق حکومت کند و سر انجام در حمله صلیبیان به انطاکیه، حکومت وی نیز از بین رفت (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۲۰). دقاق بن تتش نیز در سال ٤۹۷ق درگذشت (ابن‌عدیم، ۱٤۲۵: ج۱، ۳٦۲) و فرزند وی تتش دوم نیز کمی بعد مُرد. اتابک وی ـ ظهیرالدین طغتگین ـ حکومت دمشق را در دست گرفت و اولین حکومت اتابکان را در شام بنا نهاد که تا سال ٥٤۹ق دوام یافت. این سلسله را به نام پسر طغتگین، تاج الملوک بوری، آل بوری نام نهادند (باسورث، ۱۳۸۱: ۳٦٦). در سال ٥۱۱ق سلجوقیان شام در حلب نیز از میان رفتند و جای خود را به ارتقیان حلب دادند. ارتقیان نیز تنها هفت سال توانستند بر این شهر حکومت کنند. در سال ٥۱۸ق آق سنقر برسقی حاکم موصل، توانست حکومت حلب را در دست گیرد (ابن‌عدیم، بی‌تا: ج٤، ۱۹٦۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

پس از مرگ تتش بن آلب ارسلان، حکومت موصل نیز مستقل شد و تـا بـه قـدرت رسیدن عمادالدین زنگی در سال ۵۲۱ق، هشت حاکم بـه خـود دیـد. ایـن حکـام اگـر می‌توانستند بیش از پنج سال حکومت کنند، به شـام لشکرکشـی مـی‌کردنـد؛ چـرا کـه اوضاع شام بیش از جزیره و موصل آشفته بود و تسلط بر آن میسـر مـی‌نمـود. بـه‌جـز فرمانروایان و سلسله‌های یادشده، گاه فرماندهان نظامی، بدون آن‌که مشروعیتی از سوی خاندان‌های سلجوقی داشته باشد، مدتی قدرت را به دست می‌گرفتند.

در سال ۵۲۱ق عماد الدین بن آق سـنقر (قسـیم الدولـه) از طـرف سـلطان محمـود سلجوقی، حاکم جزیره و شام شد. وی و فرزندش نورالدین توانستند بـا متحـد کـردن منطقه، دول کوچک آن را حذف نمایند. این امر سبب شد قدرت آنها علاوه بـر منطقـه شام، در مصر نیز گسترش یابد و تا سال ۵۶۹ق حکومت خود را مستدام دارند.

حال با توجه به مطالب یادشده حکومـت‌هـای شـام و فرمانروایـان آنهـا را از ورود سلجوقیان به این سرزمین تا مرگ نورالدین محمود بررسی می‌کنیم.

حکومت‌های شام

۱. سلجوقیان شام

سلجوقیان شام توسط تتش بن آلب ارسلان در ٤٧١ق بنیان گذاشته شد. وی به علت خویشاوندی با خاندان سلطنتی نسبت به سایر فرماندهان سلجوقی شام، جایگاهی ممتاز داشت. او در بدو امر، آتسز[1] ـ فرمانده ترکمانان شام ـ را از میان برداشـت (اصفهـانی، ۲۰۰٤: ۵۸). قدرت وی در جنوب شام با مرکزیت دمشق، با حکام سلجوقی شمال شام در تعارض بود. تتش پیش از وفات، توانست رقیبان اصلی را از میان بـردارد کـه از آن جمله می‌توان به قتل قسیم‌الدوله آق سنقر و امیر بوزان و نیز اسیر کردن کربوقـا اشـاره کرد. وی پس از انجام این امور، اندک‌زمانی زنـده مانـد و در سـال ٤٨٨ق در نبـرد بـا برکیارق کشته شد (بنداری، ۲۵۳۶: ۹۶). او ۱۷ سال حکومت کرد و با ایـن‌کـه هـدفش تسلط بر کل شام بود، اما اقداماتش نتیجه معکوس به بـار آورد. کشـتن امیـران زبـده و قوی شام و مرگ زودهنگام وی، باعث هرج و مرج شدن اوضاع سیاسی شام شد.

۱. در منابع عربی از آتسز با نام آقسیس نیز یاد شده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

پس از وی، حکومت سلجوقیان در شام بین دو فرزندش تقسیم شد؛ رضوان در حلب و دقاق در دمشق.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	تتش بن آلب ارسلان	۴۷۱	۴۸۸	۱۷ سال
۲	رضوان بن تتش	۴۸۸	۵۰۷	۱۹ سال
۳	دقاق بن تتش	۴۸۸	۴۹۷	۹ سال
۴	آلب ارسلان بن رضوان	۵۰۷	۵۰۸	۱ سال
۵	تتش بن دقاق	رمضان ۴۹۷	ذی الحجه ۴۹۷	۴ ماه
۶	سلطان شاه بن رضوان	۵۰۸	۵۱۱	۳ سال

الف) سلجوقیان حلب

رضوان پس از مرگ پدر خود، بر ماترک شمالی وی تسلط یافت. حکومت او تا سال ۵۰۷ق شامل حلب و نواحی اطراف آن می‌شد. سرزمین رها نیز در ابتدا از آن وی بود، اما پس از آن فردی از مردم آن‌جا بر رضوان شورید و کمی بعد، این شهر تسلیم بالدوین صلیبی شد (رانسیمان، ۱۳۸٦: ج۱، ۲۷۱). حکومت ۱۹ سالهٔ رضوان نسبت به دوران پدر وی اقتداری اندک داشت. اختلاف او با برادرش باعث شد نه‌تنها قدرتی یکپارچه تشکیل ندهند و منافع یکدیگر را به رسمیت نشناسند، بلکه هنگام ورود صلیبیان به شام، علیه دقاق با آنها متحد شوند. گرایش‌های اسماعیلی وی و ناتوانی در دفاع از شهر حلب (نک: ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۳۰) باعث گردید حکومتی متزلزل برای اخلافش بر جای بگذارد. رانده شدن جماعت احداث[1] از گرد او و بی‌لیاقتی جانشینانش در جمع‌آوری گروه‌های مجاهد مردمی، به زوال این حکومت کمک کرد. آلب ارسلان بن رضوان، یک سال و سلطان‌شاه بن رضوان، سه سال بر حلب حکومت کردند. با مرگ سلطان‌شاه، مردم حلب از ترس صلیبیان، شهر را به نجم‌الدین ایلغازی تحویل

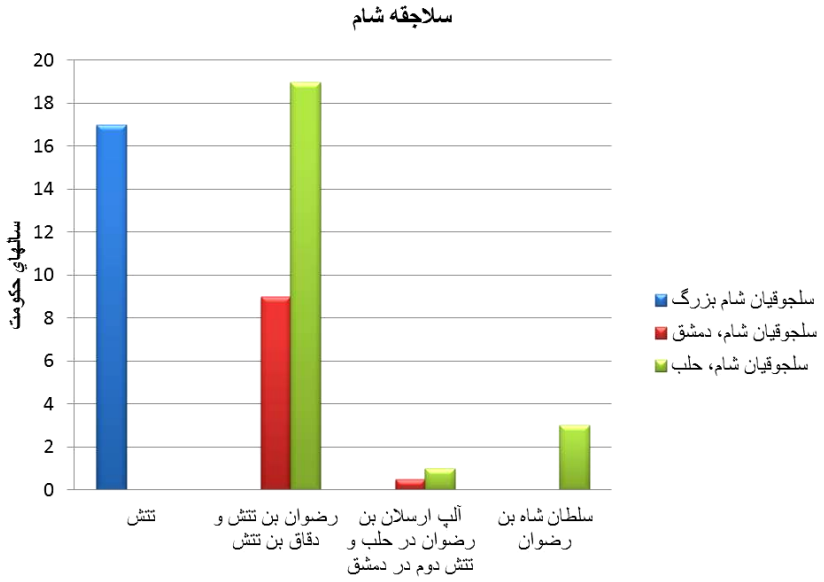
۱. گروه‌های فتیان و عیاران را در این مقطع زمانی در شام، احداث می‌نامیدند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

دادند (ابن‌عدیم، ١٤٢٥: ج١، ٣٨٤) بدین ترتیب حکومت ٢٣ سالهٔ سلجوقیان شام، شاخهٔ حلب، برچیده شد.

ب) سلجوقیان دمشق

دقاق فرزند کوچک تتش در نبردی که پدرش در آن کشته شد حضور داشت و با کمک یکی از امرا توانست خود را به حلب نزد برادرش برساند. وی چندی بعد شبانه از حلب عازم دمشق شد و با تصرف آن شهر، حکومتی مستقل تشکیل داد (ابن‌عساکر، ١٤١٥: ج١٧، ٣٠٤). حکومت وی در دمشق تا سال ٤٩٧ق ادامه یافت و در این مدت، بیشتر امور در دست شوهر مادرش ـ اتابک طغتگین ـ بود. پس از مرگ وی، طغتگین مدتی به نام فرزند یک‌سالهٔ وی خطبه خواند و سرانجام به نام خود در دمشق حکومت کرد (همو: ٣٠٥).



سلجوقیان شام از سال ٤٧١ تا سال ٥١١ق حکومت کردند و میانگین حکومت آنها شش سال بود. به‌جز تتش، سایر حکام سلجوقی شام، قدرت‌های کوچک محلی بودند که با وجود حکومت طولانی‌مدت بعضی از آنها مانند رضوان، نتوانستند برای خود پایگاهی مستحکم فراهم کنند. از این‌رو نخست پس از مرگ مؤسس این سلسله

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

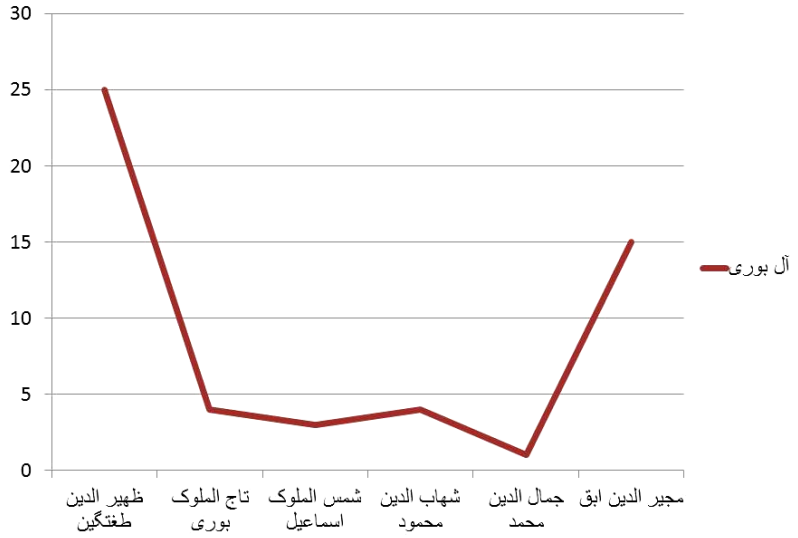
حکومت آنها به دو بخش تقسیم شد. سپس شاخه دمشق آن نیـز پـس از مـرگ اولـین جانشین تتش از میان رفت. حکومت حلب نیز پس از رضوان با نوسانات زیادی بـرای جانشینی روبه‌رو شد و دو حاکم پس از وی، جمعاً چهار سال حکومت کردند.

۲. آل بوری

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	ظهیر الدین طغتگین	۴۹۷	۵۲۲	۲۵ سال
۲	تاج الملوک بوری	۵۲۲	۵۲۶	۴ سال
۳	شمس الملوک اسماعیل	۵۲۶	۵۲۹	۳ سال
۴	شهاب الدین محمود	۵۲۹	۵۳۳	۴ سال
۵	جمال الدین محمد	۵۳۳	۵۳۴	۱ سال
۶	مجیر الدین ابق	۵۳۴	۵۴۹	۱۵ سال

آل بوری توسط طغتگین ـ پدر بوری ـ در سال ٤٩٧ق در دمشق تشـکیل شـد. ایـن حکومت در اوایل تشکیل خود در زمان طغتگین، نسبت به سـایر حکومـت‌هـای شـام، ثبات بیشتری داشت و توانست در برابر قوای صلیبیان نیز پیروزی‌هایی به دسـت آورد (طباخ، ۱۳۷۰: ج۱، ٣٦٦). اما پس از مرگ وی، پنج نفر از جانشـینانش تـا سـال ٥٤٩ق حکومت کردند که میانگین حکومت آنها تقریباً پنج سال و نیم بـود. آخـرین فـرد ایـن خاندان، مجیرالدین ابق ۱۵ سال حکومت کرد که در این مدت نیـز عمـلاً حکومـت در دست فرمانده وی بود (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ج۱، ۱۷۲). معین‌الدین انـر ـ فرمانـده نظـامی دمشق ـ با تدبیر خود توانست حکومت را برای مجیرالدین ابق نگـه دارد، امـا پـس از مرگ وی زوال حکومت بوری نزدیک شد. به حکومت رسیدن سه فرزند بوری و عدم جانشینی به صورت توارث ـ که برگرفته از سنت حکومت ایلـی سـلجوقی بـود ـ نیـز یکی دیگر از عوامل تزلزل این حکومت به شـمار مـی‌رود. ایـن شـکل عـدم توارتـث ـ عاملی که باعث شد این حکومت تا زمان نورالدین محمود زنگی باقی بماند ـ تـوازن قوایی بود که بین نیروهای مسلمان شام و صلیبیان وجود داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]



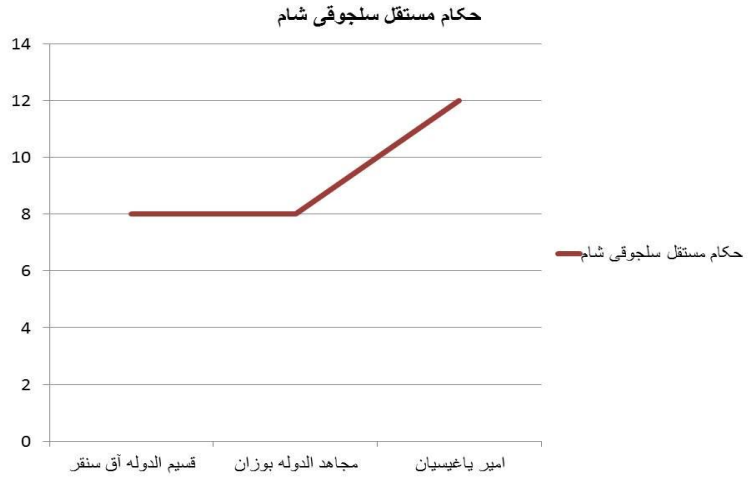
۳. حکام مستقل شام

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	قسیم الدوله آق سنقر	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۲	مجاهد الدوله بوزان	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۳	امیر یاغیسیان	۴۷۹	۴۹۰	۱۲ سال

با شروع فتوحات سلطان ملک‌شاه سلجوقی در شام از سال ٤٧٩ق تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبهٔ وی در شهرهای این منطقه ساکن شدند (نک: الغزی، ١٤١٩: ج٣، ٦٨). این فرماندهان عبارت بودند از: قسیم الدوله آق سنقر در حلب، امیر بوزان در رها و امیر یاغیسیان در انطاکیه. این حکام در ظاهر تابع تتش بودند، اما غالباً در تعارض با وی عمل می‌کردند. قرار دادن این افراد در این منطقه از سوی سلطان ملک‌شاه تا حدی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

نیز به این دلیل بود که مانع از قدرت‌گیری تتش در شام شود (ضـامن، ۱۹۸۸: ۱۹۱). از میان این سه امیر، تنها یاغیسیان با تتش رابطه‌ای حسنه داشت و توانست تا سال ٤٩١ق حکومت خود را حفظ کند. دو حاکم دیگر در نبرد سال ٤٨٧ق به دسـت تـتش کشـته شدند (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ج۱، ٥٦). اقتدار این افراد به‌ویـژه در حکومـت‌داری، مناسـب منطقه بود؛ اما با کنار زده شدن آنها، تنها هشت سال پـس از حکومـت و مـرگ تـتش، قدرت غالب آنان منطقه از میان رفت و زمینه برای تعویض زودهنگـام حکومـت‌هـا و حکام فراهم شد.



٤. ارتقیان حلب و سایر حکمرانان آن تا سال ٥٢١ق

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	ایلغازی بن ارتق	۵۱۱	۵۱۶	۵ سال
۲	سلیمان بن عبدالجبار	۵۱۶	۵۱۷	سال
۳	بلک بن بهرام	۵۱۷	۵۱۸	سال
۴	تمرتاش بن ایلغازی	ربیع الاول ۵۱۸	ذی الحجه ۵۱۸	۱۰ ماه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

در سال ۵۱۱ق، ایلغازی بن ارتق جانشین سلطانشاه بن رضوان در حلب شـد. دلیـل آن نیز ـ چنان‌که به صراحت در منابع ذکر شده ـ آن بود که چون مردم حلب از تسـلط صلیبیان بر آن شهر بیم داشتند، از ایلغازی دعوت کردند این شهر را به تصـرف درآورد (ابن‌عدیم، ۱٤۲۵: ج۱، ۳۸٤). حکام ارتقی حلب چهار نفر بودند که میـانگین حکومـت هر یک از آنان کمتر از دو سال بود. تنها تمرتاش بن ایلغازی بود که پس از سلیمان بن عبدالجبار و بَلَک بن بهرام، از طریق توارث به حکومت رسید. بـه‌جـز ایلغـازی، سـایر اخلاف وی در حلب تقریباً کمتر از یک‌سال حکومـت کردنـد و پـس از آن حکومـت حلب را به حکام جزیره وانهادند.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	قسیم الدوله آق سنقر	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۲	تتش بن آلب ارسلان	۴۸۷	۴۸۸	۱ سال
۳	رضوان بن تتش	۴۸۸	۵۰۷	۱۹ سال
۴	آلب ارسلان بن رضوان	۵۰۷	۵۰۸	۱ سال
۵	سلیمان شاه بن رضوان	۵۰۸	۵۱۱	۳ سال
۶	ایلغازی بن ارتق	۵۱۱	۵۱۶	۵ سال
۷	سلیمان بن عبدالجبار	۵۱۶	۵۱۷	۱ سال
۸	بلک بن بهرام	۵۱۷	۵۱۸	۱ سال
۹	تمرتاش بن ایلغازی	ربیع الاول ۵۱۸	ذی الحجه ۵۱۸	۱۰ ماه
۱۰	آق سنقر برسقی	۵۱۸	۵۲۰	۲ سال
۱۱	مسعود بن برسقی	۵۲۰	۵۲۱	۱ سال
۱۲	ختلغ ابه	جمادی الاخر۵۲۱	شوال ۵۲۱	۶ ماه
۱۳	سلیمان بن عبدالجبار	شوال ۵۲۱	ذی الحجه ۵۲۱	۳ماه
۱۴	ابراهیم بن رضوان	ذی الحجه ۵۲۱	جمادی الثانی ۵۲۲	۳ماه
۱۵	عماد الدین زنگی	جمادی الثانی ۵۲۲	۵۴۱	۲۰ سال
۱۶	نور الدین محمود زنگی	۵۴۱	۵۶۹	۲۸ سال

سلیمان بن عبدالجبار، دو سال پس از حکومت تمرتـاش تنهـا چنـد مـاه بـر حلـب حکومت کرد و دوباره آن را به حکام موصل واگذار نمود. حلب پس از مرگ رضـوان، آشفته‌ترین دوران خود را تجربه کرد. طی ۱٤ سال از سال ۵۰۷ تا ۵۲۱ق، ۱۱ حاکم بـر این منطقه حکومت کردند؛ یعنی به طور متوسط هر فرد کمتر از یک سال و سه ماه.

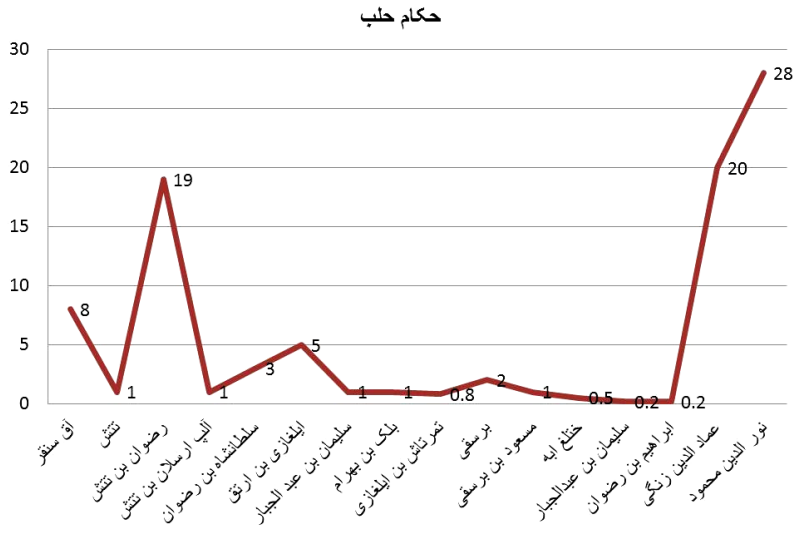
تنها با به قدرت رسـیدن عمادالـدین زنگـی در سـال ۵۲۱ق، ثبـات بـه ایـن منطقـۀ راهبردی شام بازگشت. عمادالدین و فرزندش نورالدین، ٤۸ سال بر این منطقه حکومت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

کردند که دو برابر دوره ۱۱ حاکم پیشین بود و تا حد زیادی به این علت توانستند در مقابل صلیبیان، دستاوردهایی چشم‌گیر داشته باشند. به‌جز عمادالدین وفرزندش، تنها مسعود بن برسقی بود که از طریق توارث قدرت را در این شهر به دست گرفت که آن نیز چند ماهی بیشتر بر این شهر حکومت نکرد (همو: ٤٢٩).





[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

۵. حکام موصل

مهم‌ترین شهر شام در نزدیکی جزیره، حلب بود. این شهر به عنوان رابط سرزمین‌های شمال عراق با منطقهٔ شام، اهمیت راهبردی فراوانی داشت. دولت بیزانس مدت زیادی بر سر این منطقه با فاطمیان در کشاکش بود. سلجوقیان برای مقابله با رقبای بیزانسی و فاطمی خود در شام، ابتدا حلب را تسخیر کردند.

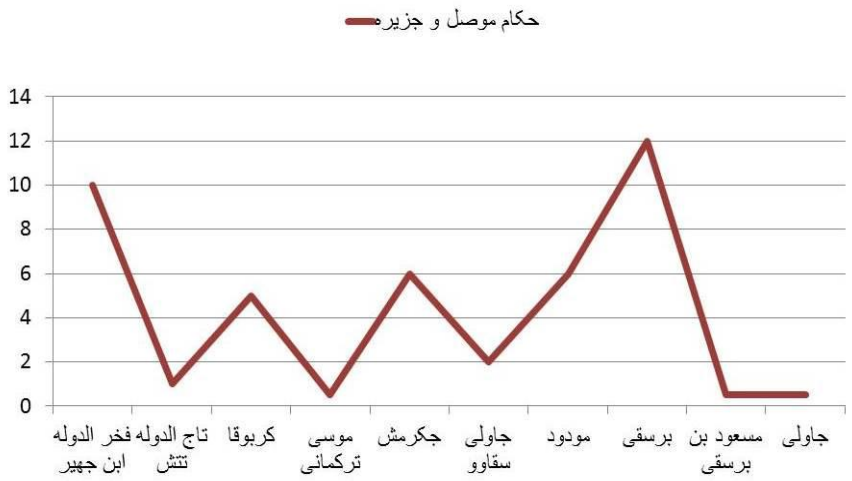
ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	فخر الدوله ابن جهیر	۴۷۷	۴۸۷	۱۰ سال
۲	تاج الدوله تتش	۴۸۷	۴۸۸	۱ سال
۳	کربوقا	۴۸۸	۴۹۵	۷ سال
۴	موسی ترکمانی	ذی القعده ۴۹۵	ذی الحجه ۴۹۵	۱ ماه
۵	جکرمش	۴۹۵	۵۰۰	۵ سال
	قلیچ ارسلان (حاکم قونیه)	رجب ۵۰۰	ذی القعده ۵۰۰	۵ ماه
۶	جاولی سقاوو	۵۰۰	۵۰۲	۲ سال
۷	مودود	۵۰۲	۵۰۷	۵ سال
۸	برسقی	۵۰۸	۵۲۰	۱۲ سال
۹	مسعود بن برسقی	۵۲۰	۵۲۱	۱ سال

حکومت‌های موصل و جزیره پس از مرگ تتش، از جمله قدرت‌های مؤثر در مبادلات سیاسی شام بودند. به سبب فضای آشفته سیاسی و ضعف غالب امرای این منطقه، زمینه دخالت قوای موصل و جزیره در شام فراهم شد و به طور طبیعی، اولین شهر از شام که به دست حکام موصل می‌افتاد، حلب بود. این شهر از سال ۵۱۸ق در دست حکام حلب قرار داشت (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ج۱۰، ۶۲۳). در سال ۵۲۱ق، عمادالدین زنگی پس از تصرف جزیره، مناطق شمالی شام را تصرف کرد و از آن زمان تا سال ۵۶۹ق، سرزمین شام در تصرف اتابکان زنگی بود (همو: ج۱۱، ۴۰۲). نفوذ حکام جزیره، به مناطق شمالی شام محدود نمی‌شد، بلکه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

افـراد قـدرت‌منـدی چـون مـودود بـن التـونتگین، حتـی بـه دمشـق نیـز لشکرکشـی کردنـد (ابـن‌قلانسـی، ۱۹۸۳: ۲۹۸). از ایـن‌رو مناسـبات سیاسـی شـام، بسـیار از اوضاع سیاسی جزیره متأثر بود. آشفتگی‌های ایـن منطقـه در عـزل و نسـب حکـام بـه صورت مستقیم و غیرمستقیم بر حکومت‌های شام تأثیر داشـته اسـت. از سـال ۵۱۸ تـا سال ۵۲۰ق حلب جزو حکومت فرمانروایان موصل به شمار می‌رفت. از سال ۵۲۱ق تا ۵۶۹ق نیز به وضوح جزو حکومت اتابکان زنگی بود کـه تمـامی شـام و جزیـره را در اختیار داشتند.



٦. اتابکان زنگی

حکومت اتابکان زنگی از سال ۵۲۱ق با حکومت عمادالدین زنگی بـر موصـل آغـاز شد. وی با استفاده از توان نظامی بالا، لشکریان مطیع و طرفداران زیاد در دربار سلطان سلجوقی، حکومت خود را تأسیس کرد (برای آگـاهی بیشـتر از روابـط عمادالـدین بـا سلجوقیان، نک: Belotto, 2014). بی‌ثباتی حکومت‌های شام در چند دهـه، باعـث شـده بود او بتواند منطقه جزیره و شمال شام را به آسانی فتح کند. عمادالدین به مدت بیست سال در منطقه حکومت کرد و در تمامی جهـات، قـدرت خـود را گسـترش داد (نـک: ابن‌اثیر، بی‌تا). از مهم‌ترین اقدامات وی که بعدها از سوی فرزندانش پی گرفته شـد، از بین بردن حکومت‌های کوچک بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	عماد الدین زنگی	۵۲۱	۵۴۱	۲۰ سال
۲	سیف الدین غازی بن زنگی	۵۴۱	۵۴۴	۴ سال
۳	نور الدین محمود بن زنگی	۵۴۴	۵۶۹	۲۵ سال

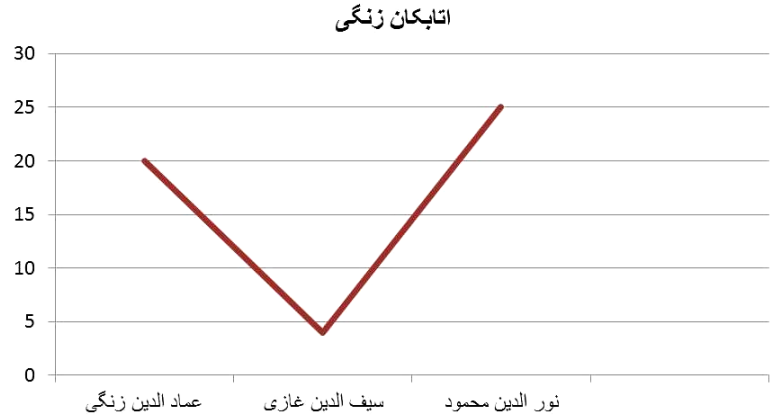
حکومت طولانی عمادالدین، این فرصت را برای وی فراهم آورد که فرزندانش به سن حکومت‌داری برسند و از قِبَل فتوحات نظامی پدر خود، راه و رسم جنگ‌جویی بیاموزند. مرگ عمادالدین در اثر حادثه‌ای در نبرد قلعهٔ جعبر رخ داد (ابن‌اثیر، بی‌تا: ۸۵). نورالدین محمود ـ پسر دوم عمادالدین ـ که آن زمان همراه پدر بود، نگین پدر را از دستش خارج کرد و حلب را تصرف نمود (همو). سیف‌الدین غازی برادر بزرگ‌تر وی جزیره را تسخیر کرد، اما کمی بعد دو برادر با یکدیگر کنار آمدند، به این معنا که نورالدین، سیادت سیف‌الدین را پذیرفت و برادر بزرگ‌تر اجازه داد نورالدین حاکم وی در شام باشد (ابن‌اثیر، بی‌تا: ۸۵). عده‌ای این سال را سال تأسیس حکومت زنگیان شام دانسته‌اند (لین پول، ۱۳۸۹: ۱٤٥). از این زمان تا سه سال بعد یعنی ٥٤٤ق ـ سال وفات سیف‌الدین ـ (ابی‌شامه، ۱۹۹۷: ج۱، ۲۲۷)، نورالدین تحت تابعیت برادر، شمال شام را در اختیار داشت. این انتقال قدرت پس از مرگ عمادالدین با کمترین چالش موجب شد زنگیان برخلاف حکومت‌های پیش از خود، از بی‌ثباتی کمتری برخوردار باشند. این انتقال امن قدرت موجب شد برنامه‌های عمادالدین توسط فرزندانش پی‌گیری شود.[1] از این‌رو از سال ۵۲۱ تا ٥٦٩ق ـ سال وفات نورالدین محمود ـ سه حاکم در جزیره و شام حکومت کردند. این ثبات و تداوم برنامه‌های نظامی در دو نسل خاندان زنگی،

۱. برای مثال، می‌توان از ادامه نبرد سیف‌الدین با ارتقیان در جزیره و نبردهای نورالدین با حاکم رها، انطاکیه و طرابلس و آل بوری نام برد (برای آگاهی بیشتر، نک: ابن‌اثیر، ۱۹٦٥: ج۱۱، ۱۲۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

بی‌شک در دستاوردهای نظامی آنها علیه صلیبیان نیز بی‌تأثیر نبود.



حکومت‌های شیعی

۱. بنی‌عمار

ابی‌الحسن بن عمار ـ وزیر کتامی دولت فاطمی ـ در سال ٤٦٣ق در طرابلس حکومتی تشکیل داد که ظاهراً تابع فاطمیان بود، اما با کوتاه شدن دست فاطمیان از شام، عملاً حکومتی خودمختار به شمار می‌رفت (ابن‌اثیر، ١٩٦٥: ج١٠، ٧١). این حکومت به علت شرایط جغرافیایی مناسب خود[1] توانست در برابر حملات سلجوقیان مقاومت کند و با استفاده از تفرقه‌های بین حکام سلجوقی، حکومت خویش را تداوم بخشد.[2] حکومت بنی‌عمار در طرابلس تقریباً چهل سال به طول انجامید و در این مدت، تنها سه نفر بر آن حکومت کردند. اما محدود بودن سرزمین بنی‌عمار به شهری ساحلی، آنان را آسیب‌پذیر می‌کرد. اگرچه بنی‌عمار توانستند با سیاستمداری تحت سلطه سلجوقیان نروند و استقلال خود را حفظ کنند، اما هنگامی که با قوای صلیبیان در دریا و خشکی روبه‌رو شدند، با وجود مقاومت طولانی‌مدت، در سال ٥٠٢ق شهر به دست صلیبیان افتاد (ابن‌قلانسی، ١٩٨٣: ٢٦١). از دست رفتن این شهر، زیانی بزرگ برای

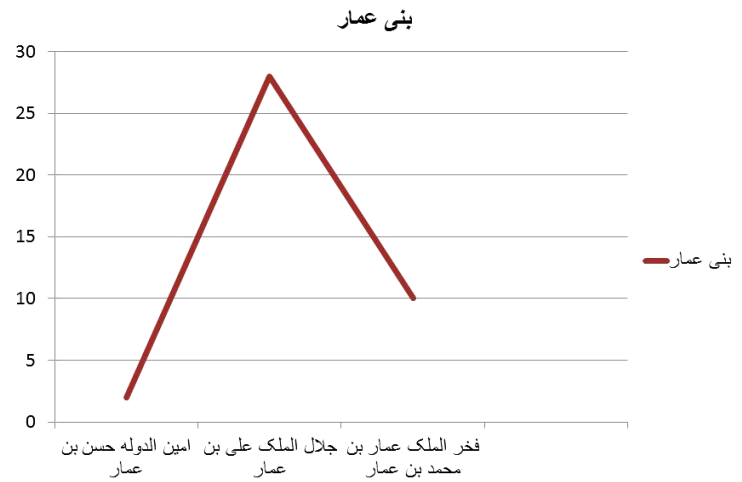
١. منطقه طرابلس از سه طرف با دریا محصور شده و تنها از سمت شرق به خشکی‌های شام متصل است.
٢. از آن جمله می‌توان به تعامل جلال‌الملک با قسیم‌الدوله آق سنقر در سال ٤٨٥ق اشاره کرد (نک: ابن‌اثیر، ١٩٦٥: ج١٠، ٢٠٣).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

مسلمانان شام به شمار می‌رفت؛ چرا که به تأسیس کنت‌نشین صلیبی طرابلس انجامید.

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	ابو طالب امین الدوله بن عمار	۴۶۳	۴۶۴	۲ سال
۲	جلال الملک حسن بن عمار	۴۶۴	۴۹۲	۲۸ سال
۳	فخر الملک عمار بن محمد بن عمار	۴۹۲	۵۰۲	۱۰سال

حکام بنی‌عمار مدت‌زیادی با ثبات داخلی حکومت کردند و از این‌رو توانستند به جایگاهی مهم برای اهل دانش شام تبدیل شوند؛ اما محدودهٔ اندک حکومت آنان در کنار سایر حکومت‌های کوچک منطقه، باعث تشکیک قوای منطقه گردید.



[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

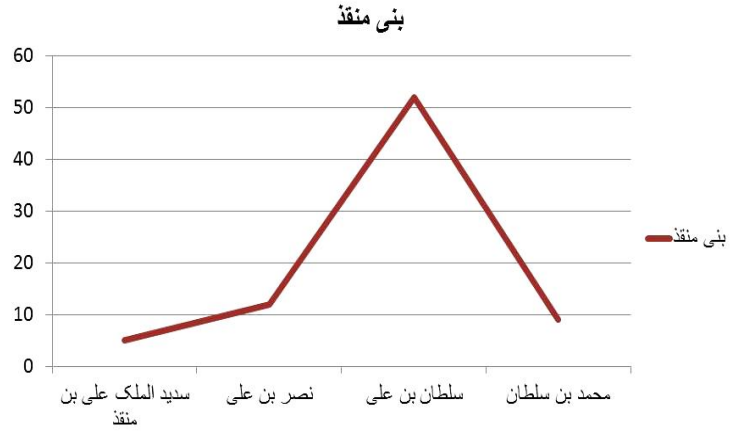
۲. بنی‌منقذ

بنی‌منقذ از قبیلهٔ کنانه بودند که در سال ٤٧٤ق توانستند بر قلعه راهبردی شیزر مسلط شوند. این حکومت بیشترین مدت را بین دول مذکور عمر کرد و در مدت ۷۸ سال (٤٧٤ – ٥٥٢ق) تنها چهار حاکم بر این سرزمین مسلط بودند (ابن‌عدیم، بی‌تا: ج۱، ٤٧٦؛ طباخ، ١٤٠٨: ج۲، ۳۱). انتقال قدرت در این خاندان با دردسر کمی همراه بود. تنها حاکم سوم آن، سلطان بن علی که ۵۲ سال حکومت کرد از طریق وراثت به قدرت نرسیده بود. این حکومت از سال ۵۳۱ق دچار اختلافات داخلی شد، اما این اختلافات نبود که به از میان رفتن حکومت آنان انجامید؛ بلکه زلزله بزرگ شام در سال ۵۵۲ق موجب ویرانی قلعه شیزر و تسلط نورالدین محمود زنگی بر آن شد. در این زلزله غالب اعضای این خاندان از بین رفتند. موقعیت راهبردی شیزر باعث شد این حکومت جایگاهی ویژه داشته باشد. پیش از تشکیل اتابکان زنگی، بنی‌منقذ با استفاده از فضای آشفتهٔ آن زمان، قدرت خود را تثبیت کردند. با تشکیل حکومت اتابکان زنگی و از بین رفتن قوای کوچک منطقه، صلیبیان و زنگیان، از ترس پیوستن حکومت شیزر به رقیب خود از حمله به آن خودداری کردند (ابن‌اثیر، ١٩٦٥: ج۱۱، ۲۱۹).

ردیف	نام حاکم	سال شروع حکومت	سال پایان حکومت	تعداد سالهای حکومت
۱	سدید الملک علی بن منقذ	۴۷۴	۴۷۹	۵ سال
۲	نصر بن علی	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال
۳	سلطان بن علی	۴۹۱	۵۴۳	۵۲ سال
۴	محمد بن سلطان	۵۴۳	۵۵۲	۹ سال

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

این حکومت مانند بنی‌عمار، از ثبات داخلی زیادی برخوردار بود، اما قدرتی ضعیف به شمار می‌رفت که منطقه‌ای کوچک را در اختیار داشت و این امر بی‌شک در تشنج فضای سیاسی و عدم مرکزیت در شام مؤثر بود.



تعداد حکومت‌های شام از سال ۴۷۰ تا ۵۶۹ق

در بازهٔ زمانی ٤٧٠ تا ٥٦٩ق، ١٢ حکومت با ٣٩ حاکم در منطقه شام فرمانروایی کردند. تعداد حکومت‌های هم‌زمان در سال‌های ٤٧٠ تا ٤٩٠ق رو به افزایش بود و با گذر زمان، از تعدادشان کاسته شد تا سرانجام این منطقه زیر سایه اتابکان زنگی متحد گردید.[1] نکته مهم آن است تا پیش از حمله صلیبیان، همواره بر تعداد این حکومت‌ها افزوده می‌شد، به گونه‌ای که در نیمه دوم دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن پنجم هجری، هفت حکومت در این منطقه حضور داشتند. در نتیجه با وجود این تشتت قدرت و تعویض زودهنگام حکام آنها، مسلمانان نتوانستند در مقابل صلیبیان اقدامی منسجم به عمل آورند.

از میان حکومت‌های یادشده، تنها بنی‌منقذ با ١٩ سال و ٦ ماه، بنی‌عمار با ١٣ سال و ٣ ماه و اتابکان زنگی با ١٦ سال و ٣ ماه به طور میانگین بیشترین طول دوران

۱. با ازمیان رفتن آل بوری و بنی‌منقذ، شامات به کلی زیر نفوذ اتابکان زنگی درآمد و تنها قسمت‌هایی از سواحل شرقی مدیترانه در دست صلیبیان باقی ماند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

فرمانروایی را داشتند و فرمانروایان باقی این حکومت‌ها به طـور میـانگین، کمتـر از ده سال حکومت کردند که این امر، آشفتگی آن واحد سیاسی را به دنبال داشت. بنی‌منقـذ تنها بر قلعه راهبردی شیزر حاکم بودند. از این‌رو حفظ این قلعه برای آنها راحت‌تـر از حفظ یک حکومت وسیع بود و بدین سبب، مدتی طولانی بر آن حاکم بودند. بنی‌عمار نیز تنها در طرابلس حکومت داشتند. از ایـن‌رو تنهـا امیـران زنگـی توانسـتند بـه طـور میانگین بیش از ده سال بر مناطقی وسیع از شام حکومت کنند. حکومت‌های سـلجوقی مستقل شام نیز بعد از سه حکومت یادشده با طول فرمانروایی میانگین نـه سـال و سـه ماه، مدتی نسبتاً باثبات را گذراندند. اگرچه باید مـد نظـر داشـت ایـن سـه نفـر بـدون جانشین بودند و حکومت آنان با مرگشان از بین رفت.

ردیف	نام حکومت	سال آغاز (هجری قمری)	سال پایان (هجری قمری)	مدت حکومت
۱	سلجوقیان شام (بزرگ)	۴۷۱	۴۸۷	۱۶ سال
۲	سلجوقیان شام (حلب)	۴۸۸	۵۱۱	۲۳ سال
۳	سلجوقیان شام (دمشق)	۴۸۸	۴۹۷	۹ سال
۴	قسیم الدوله آق سنقر	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۵	امیر بوزان	۴۷۹	۴۸۷	۸ سال
۶	امیر یاغیسیان	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال
۷	آل بوری	۴۹۷	۵۴۹	۵۲ سال
۸	ارتقیان حلب	۵۱۱	۵۱۹	۸ سال
۹	حکام موصل	۴۷۷	۵۲۱	۴۴ سال
۱۰	اتابکان زنگی	۵۲۱	۵۶۹	۴۸ سال
۱۱	بنی منقذ	۴۷۴	۵۵۲	۷۸ سال
۱۲	بنی عمار	۴۶۲	۵۰۲	۴۰ سال

حکام مناطق شمالی شام، میانگین طـول حکومـت کمتـری نسـبت نـواحی جنـوبی داشتند. ارتقیان حلب با یک سال و ده ماه و حکام موصل با چهار سال و ده ماه، دارای کمترین میانگین حکومت بودند. جدول زیر نشـان دهنـدۀ میـانگین دوران فرمـانروایی حکومت‌های شام است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

ردیف	نام حکومت	تعداد حکام	سال آغاز (هجری قمری)	سال پایان (هجری قمری)	مدت حکومت	میانگین سالهای حکومت
۱	سلجوقیان شام	۶	۴۷۱	۵۱۱	۴۸ سال	۸ سال و ۲ ماه
۲	امیران سلجوقی مستقل شام	۳	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال	۹ سال و ۳ ماه
۳	آل بوری	۶	۴۹۷	۵۴۹	۵۲ سال	۸ سال و ۶ ماه
۴	ارتقیان حلب	۴	۵۱۱	۵۱۹	۸ سال	۱ سال و ۱۰ ماه
۵	حکام موصل	۹	۴۷۷	۵۲۱	۴۴ سال	۴ سال و ۱۰ ماه
۶	اتابکان زنگی	۳	۵۲۱	۵۶۹	۴۸ سال	۱۶ سال و ۳ ماه
۷	بنی منقذ	۴	۴۷۴	۵۵۲	۷۸ سال	۱۹ سال و ۶ ماه
۸	بنی عمار	۳	۴۶۲	۵۰۲	۴۰ سال	۱۳ سال و ۳ ماه

تعدد حکومت‌ها و عوض شدن زودهنگام فرمانروایان آنها موجب تشتت قدرت گردید. تشتت سیاسی حاکم بر منطقه سبب شد قوای حکومت‌های اسلامی به حذف یکدیگر بپردازند؛ اما این امر، تجمع قدرت‌های باقی‌مانده زیر یک چتر واحد را به دنبال نداشت و باعث تحلیل قوای مسلمانان در جنگ‌های داخلی شد. از سال ٤٧١ تا ٥٢١ق حدود ۲۵ حاکم، بدون احتساب حکام موصلی ـ که به اعمال قدرت در شام پرداختند ـ در این منطقه به قدرت رسیدند که به طور میانگین در این پنجاه سال، هر حاکم حدود دو سال حکومت کرده است؛ در حالی که پس از سال ۵۲۱ تا ٥٦٩ق، تنها نُه نفر در این منطقه به حکومت رسیدند که به طور میانگین هر یک از آنان پنج سال و چند ماه حکومت کردند. این تضعیف قوا تا سال ۵۲۱ق چند نتیجه به دنبال داشت:

۱. باعث تثبیت موقعیت صلیبیان در شام شد؛

۲. سبب رونق قوای نظامی شام و ملیتاریسم شدن منطقه گردید؛

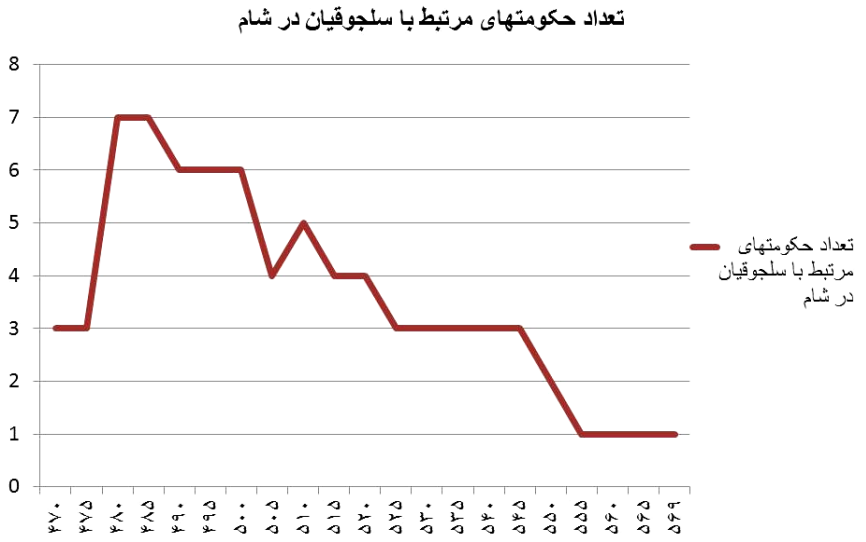
۳. زمینه را برای ایجاد قدرت برتر منطقه فراهم آورد.

به قدرت رسیدن شخصیتی قوی و جنگ‌جو مانند عمادالدین زنگی در سال ۵۲۱ق مصادف با شرایطی بود که حکومت‌های شام در درگیری‌های داخلی و جنگ با صلیبیان و نیز رفت وآمد حکام فرسوده شده بودند. از این‌رو وی توانست با از میان برداشتن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

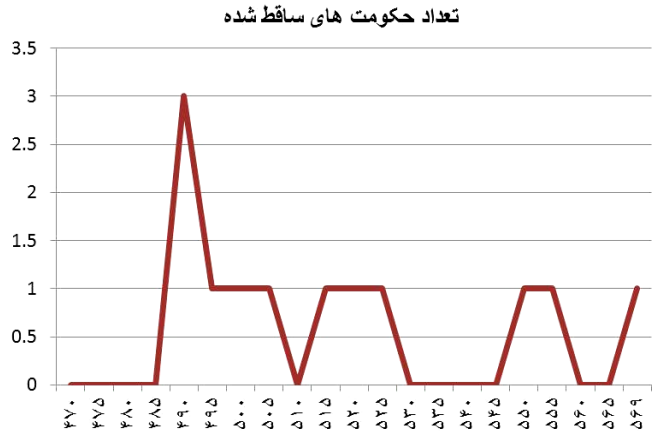
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

این حکومت‌های تضعیف شده، برای زنگیان شرایطی مساعد فراهم آورد. از بین بـردن قوای کوچک منطقه، ثباتی نسبی به وجود آورد. حکومت بلندمدت عماد الدین (۵۲۱ – ۵٤۱ق) سبب شد فرزندان وی به رشد کافی برسند و از طریق وراثت، قدرت را پس از وی به دست گیرند. انتقال قدرت بدون تشتت از عمادالدین به سیف‌الدین و سپس بـه نورالـدین ـ دیگـر فرزنـد عمادالـدین ـ موجـب شـد زنگیـان بـا چـالش‌هـای سـایر حکومت‌های پیش از خود روبه‌رو نباشند. از این‌رو حکومت زنگیان توانست نسبت به سایر حکومت‌های منطقه اعم از صلیبیان و مسلمانان، برنامه‌ای واحد در پیش گیـرد. از این‌رو با مرگ عمادالدین، فرزندان وی به نوبت توسعهٔ سرزمینی وی را پی گرفتند کـه سرانجام به ایجاد حکومت سیاسی یکپارچه در جزیره، شام و مصر انجامیـد. حکومـت باثبات زنگیان، دستاوردهایی قابل ملاحظه نیز در برابر صلیبیان داشت که بازپس‌گیـری رها و تصرف مصر در زمان حمله قوای صلیبیان به آن سرزمین، از آن جمله بـود. ایـن ثبات حکومتی و دور شدن از فضای هرج و مرج، باعث شد صلاح‌الدین ایوبی نیز پس از مرگ نورالدین بتواند با الگوی زنگیان و با دردسر کمی شـام را فـتح کنـد. در واقـع می‌توان گفت تشکیل دولت ایوبی، برآمدِ ثبات زنگیان بود.



[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

از سال ٤٧٠ تا به قدرت رسیدن اتابکان زنگی در سال ٥٢١ق، هشت حکومت در منطقه شام از بین رفته بودند. سه حکومت نیز به دست اتابکان زنگی از بین رفتند و منطقه زیر سایهٔ حکومتی یکپارچه درآمد. اتابکان زنگی با از بین بردن آخرین حکومت‌های ضعیف منطقه با قدرت‌های مجاور هم‌مرز شدند که از چندی پیش درصدد نفوذ در شام بودند؛ از آن جمله می‌توان به سلجوقیان روم اشاره کرد (برای آگاهی بیشتر، نک: فروزانی و محمدی، ١٣٩٠: ١٦٩ – ١٨٧).



نتیجه‌گیری

یازده حکومتی که از سال ٤٧١ تا ٥٢١ق در شام حضور داشتند، درگیری‌هایی خونین به ارمغان آوردند که به تضعیف و حذف تدریجی آنها انجامید. رقابت‌های سیاسی و نظامی، توانشان را تحلیل برد و حذف قدرت‌های کوچک موجب شد امکان ایجاد حکومتی مقتدر در منطقه فراهم آید. از این‌رو هنگامی که عمادالدین زنگی در سال ٥٢١ق به معادلات سیاسی این منطقه وارد شد، توانست این حکومت‌های تضعیف شده را یکی پس از دیگری از بین ببرد و در مدت بیست سال حکومت خود، شرایط را برای جانشینی فرزندان خود فراهم آورد که پس از وی تا سال ٥٦٩ق توانستند حکومتی با ثبات در منطقه ایجاد نمایند. دولت زنگیان در مدت ٤٨ سال تنها سه حاکم به خود دید و توانست جزیره، شام و مصر را زیر سلطه خود درآورد. افزون بر تعدد حکومت‌ها، غالب حکومت‌های منطقه در دوره زمانی یاد شده ـ به جز بنی‌منقذ،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

بنی‌عمار و اتابکان زنگی ـ کمتر از ده سال حکومت کردند که این امر خود بی‌ثباتی سیاسی به دنبال آورد. از این میان نیز دو حکومت بنی‌منقذ و بنی‌عمار تنها بر یک قلعه و یک شهر حاکم بودند و توانستند مدتی قابل توجه حکومت کنند. از این‌رو هرچه از سال ٤٧١ به اوج حکومت اتابکان زنگی در سال ٥٦٩ نزدیک می‌شویم، تعداد حکومت‌های منطقه کمتر و آمد و شد فرمانروایان نیز اندک می‌شود. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت تعدد حکومت‌های شام و مدت‌زمان اندک حکومت حکام آنها، یکی از علل بی‌ثباتی سیاسی شام به شمار می‌رفت. از این‌رو بین تعداد حکومت‌ها و سال‌های فرمانروایی حاکمان آنها، با ثبات سیاسی منطقه رابطه‌ای معکوس وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه این پژوهش طبق داده‌های یاد شده تأیید می‌گردد.

پیشنهاد می‌شود برای آزمایش مجدد این فرضیه، ادوار تاریخی دیگر شام مانند دوره پس از حکومت العادل ایوبی بررسی شود که در شرایط تشتت و وحدت ثبات سیاسی و در گام بعد دستاوردهای آن، مورد آزمایش قرار گیرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

منابع

ـ ابن‌اثیر جرزی، علی بن محمد بن محمد (۱۹٦۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.

ـ ــــــــــــــــــــــــــــــ (بی‌تا)، *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیة بالموصل*، تحقیق: عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره، دارالکتب الحدیثة.

ـ ابن‌عدیم العقیلی، عمر بن احمد (۱۹۹٦م)، *زبدة الحلب فی تاریخ حلب*، تحقیق: خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ـ ــــــــــــــــــــــــــــــ (بی‌تا)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، تحقیق: سهیل زکار، بی‌جا، دارالفکر.

ـ ابن‌عساکر، علی بن حسن (۱٤۱۵ق)، *تاریخ مدینة الدمشق*، تصحیح: علی شیری، بیروت، دارالفکر.

ـ ابن‌قلانسی، أبویعلی حمزة بن أسد بن علی بن محمد (۱۹۸۳م)، *تاریخ دمشق لابن القلانسی*، تحقیق: سهیل زکار، دمشق، دار حسان للطباعة والنشر.

ـ ابن‌کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸٦م)، *البدایة والنهایة*، بی‌جا، دارالفکر.

ـ ابن‌واصل، جمال‌الدین بن سالم (۱۳۸۳ش)، *تاریخ ایوبیان*، ترجمه: پرویز اتابکی، تهران، علمی و فرهنگی.

ـ ابی‌شامه، شهاب‌الدین عبدالرحمن (۱۹۹۷م)، *عیون الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیة*، تصحیح: ابراهیم الزیبق، بیروت، مؤسسة الرسالة.

ـ اصفهانی، عمادالدین محمد بن محمد بن حامد (۲۰۰٤م)، *تاریخ دولة آل سلجوق*، تصحیح: یحیی مراد، بیروت، دارالعلمیة.

ـ باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱ش)، *سلسله‌های اسلامی جدید؛ راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران.

ـ بنداری اصفهانی، فتح بن علی (۲۵۳٦ شاهنشاهی)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه: محمدحسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

ـ رانیسمان، استیون (۱۳۸٦ش)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه: منوچهر کاشف، تهران،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]

انتشارات علمی و فرهنگی.
ـ ضامن، محمد (۱۹۸۸م)، «مـن تـاریخ الحلـب حکـم قسـیم الدولـه آق سـنقر ٤٧٩ – ٤٨٧ق»، *دراسات التاریخیة، ۱۰۸٦ – ۱۰۹٤م*، شماره ۲۹ و ۳۰، آذار ـ حزیران.
ـ طباخ، محمد راغب (١٤٠٨ق)، *إعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء*، حلب، دارالقلم.
ـ الغزی البالی، کامل بن حسین (١٤١٩ق)، *نهر الذهب فی تاریخ حلب*، حلب، دارالقلم.
ـ فروزانی، سید ابوالقاسـم؛ مهـدی محمـدی قناتغسـتانی (۱۳۹۰ش)، «بررسـی روابـط سیاسی نظامی صلاح‌الدین ایوبی با قلیچ ارسـلان دوم»، فصـلنامه علمـی ـ پژوهشـی *تاریخ اسلام*، سال دوازدهم، شماره ٤.
ـ لین پول، استانلی (۱۳۸۹ش)، *طبقات سلاطین اسـلام*، ترجمـه: عبـاس اقبـال، تهـران، اساطیر.
ـ مؤمنی، محسن و همکاران (۱۳۹۲ش)، «ماهیـت ترکمانـان عراقـی و رابطـه آنـان بـا ترکمانان سلجوقی»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی *پژوهش‌های تاریخی*، سال چهل و نهم، دورهٔ جدید، سال پنجم شـمارهٔ دوم (پیـاپی ۱۸)، دانشـکده ادبیـات و علـوم انسـانی دانشگاه اصفهان.
ـ نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲ش)، *سلجوق‌نامه*، تهران، خاور.
ـ Belotto, Nicholas D (2014), *POWER AND LEGITIMACY IN THE MEDIEVAL MUSLIM WORLD: THE CAREER OF IMAD AL-DIN ZENGI (1085-1146)*, Boca Raton, Florida, Florida Atlantic University.
ـ Diebolt, Claude and Haupert, Michael (2015), *Cliometrica after 10 years: definition and principles of cliometric research*, Berlin,Springer-Verlag Berlin Heidelberg.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.1.9]